

شماره  
375



کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

# ابوعین جابر

نورالدین عبدالرحمن

کاتب نعل مشہد  
سلطانی مکی

مقدمہ وتصحیح واستخراج احادیث :

کاظم دیرشاهی

استاد دانشکده الهیات ومعارف اسلامی مشہد

<https://t.me/kotaberfani>



<https://t.me/ketaberfani>



3072

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

<https://t.me/ketaborfani>





موسسہ چاب آمارات آسان مدرس رضوی





# ایسین نامی

## پہل حدیثی

<https://t.me/ketaberfani>



بسم الله الرحمن الرحيم

در این عصر خسته که کشور ما بحد آید استقلال سیاسی نایل آمده، توجه به پژوهشی و  
احیای مفاخر گذشته نیز از اهم امور است. خوشحانه حرکت فرهنگی پرشانی  
مراکز علمی و آموزشی مانیر آغاز شده، و این سگفت آور نیست که علی رغم مشکلاتی  
که دشمنان با ایجاد می کنند، پیشرفتهای فرهنگی نیز داشته باشیم که حکومت  
بر اساس موازین اسلامی است، و چنانکه می دانیم کتاب و علم و علم در اسلام  
پایگاهی وسیع و مقامی والا دارد.

آستان قدس رضوی از نخستین ماههای پیروزی انقلاب اسلامی بر طبق مینوی  
که مرجع جهان اسلام آیه الله العظمی امام خمینی در فرمان تولیت این آستان  
مقدس داده اند، در تقویت و توسعه کتابخانه مرکزی آستان قدس اشتهای  
بیخ می نماید، چنانکه در دیگر خدمات فرهنگی و انتشاراتی نیز کوشاست.



در میان آثار ارزشمند گرانقدری که در این کتابخانه موجود است بعضی  
حسن خط و تدبیر و نگارگریهای بدیع را با کمال معنی توأمان بردار  
برای اینکه چنین تفاسیری با حفظ اصالت و سیر نمایش در دسترس عموم  
طالبان قرار گیرد، به صوابدیتی چند از اهل بصیرت و مایه تولید  
ارجمند آستان قدس رضوی، امور فرهنگی آستان قدس بر آن شد  
تا این گونه کتب را به صورت افست چاپ کند.

امید است در راه نشر و گسترش معارف اسلامی و نهضت ایران گامی  
شایسته باشد، و موجب شود سرمایه فرهنگی مردم همین مرز و بوم به خودشان  
بازگردانیده شود. والله المستعان و هو علی کل شیء قدیر.

امور فرهنگی آستان قدس



بسم اللہ

درحقی ہدف مذکور موسیٰ چاپ و انتشارات آستان قدس مقدس است  
کہ تخمین شمارہ انتشارات خود را بہ رسالہ چہل حدیث نبوی کہ توسط شاعر  
گرامنایہ جامی نظم در آمدہ۔ اختصاص دہد، و بدین ترتیب با سخنان  
الہام بخش رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ انتشاراتش را آغاز کند۔  
امید است انتشارات این موسسہ چون طلوعہ اش۔ انجامی مبارک  
نیز داشتہ باشد۔

توفیق انتشار از ربینباتی از دیگر ائمہ ابائیستی پسندیدہ از خداوند متعال  
محی بسم۔



# اربعین جامی

نور الدین عبدالرحمن

کاتب

سلطان علی مشہد

مقدمہ و تصحیح و استخراج احادیث از:

کاظم دیرشانی

استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد  
<https://t.me/ketaberfani>





مؤسسہ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

۱

### مشخصات :

نام کتاب:	اربعین جامی
ناظم:	نورالدین عبدالرحمن جامی
کاتب:	سلطانعلی مشہدی
نصحیح و استخراج:	کاظم مدیر شانه چی
خط روی جلد:	مصطفی مہدی زادہ
حروفچینی و امور فنی:	مؤسسہ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
تیراژ:	۵۰۰۰ نسخہ
تاریخ انتشار:	بہمن ۱۳۶۳
لینوگرافی:	بہزاد، ۴۵۴۸۸
چاپ:	چاپ مشہد ۹۰۹۹۰
ناشر:	مؤسسہ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - مشہد صندوق پستی ۱۷۳
حق چاپ محفوظ است	



### بسمه تعالی

حدیث یکی از دو مرجع اساسی احکام بلکه بیشتر علوم اسلامی است که از زمان پیغمبر (ص) مورد توجه مسلمین بوده است. و در فراگیری و اهتمام در حفظ آن سعی بلیغ مبذول می داشتند.

بدیهی است که تا پیغمبر خود در میان مردم بود و دسترسی به منبع فیض نبوی به سهولت میسر می شد، اهمیت حدیث چنان که باید مشهود نبود. ولی هنگامی که حضرتش رخت از این جهان بست، مردم حس کردند نیاز بیشتری به احادیث پیغمبر (ص) دارند.

از موجبات اهتمام امت بر حفظ و ثبت احادیث، دستور اکید رسول اکرم در حیات خود به ضبط وصیانت آن برای آیندگان است<sup>۱</sup> که دست طلبشان از دامان تشرف به محضر نبوی کوتاه و بهره آنان از مشکوة انوار نبوت، میراثی است که به روایت سلف صالح برای اخلاف باقی مانده.

از جمله دستوراتی که اصحاب را بر فراگیری و حفظ بیانات نبوی تحریص و ترغیب نموده حدیث اربعین است که بنا به مشهور از حضرتش صادر گردیده است.

۱- جمله ای از این احادیث را در کتاب شریف بحار الانوار ملاحظه می فرمایید. و بحسب حدیث مزبور از این کتاب و سایر منابع مورد اعتماد، در علم الحدیث (ص ۱۲۱-۱۱۸) نقل نموده ایم.



سیوطی در جامع صغیر از پیغمبر نقل می کند که فرمود: من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً ممایحتاجون فی امر دینهم، بعثه الله عالماً فقیهاً<sup>۲</sup>.

همین مضمون را ثقة الاسلام کلینی در کافی و شیخ صدوق در خصال و والد شیخ بهائی در اول وصول الاخیار و شیخ بهائی در آغاز اربعین و شیخ حر عاملی به طرق متعدده در وسائل الشیعه از رسول اکرم و ائمه اطهار نقل نموده اند که از آن جمله بیان حضرت صادق است که: من حفظ من شیعتنا اربعین حدیثاً بعثه الله عز و جل یوم القیامة فقیهاً عالماً ولم یعذبه<sup>۳</sup>.

این حدیث موجب شده است که از دیر زمان، دانشمندان مسلمان کتبی به نام (اربعین، یا الاربعون حدیثاً، یا شرح اربعین) مرقوم دارند که بخشی از کتب حدیث فریقین را به خود اختصاص داده است. چنان که در فهرست کتب حدیث (مکتبه الظاهرية) دمشق از (۴۶) کتاب اربعین، و در فهرست مخطوطات (دارالکتب القومية) قاهره، جلد اول نام (۱۴) کتاب تحت عنوان (اربعین) و در جلد دوم نام (۱۵) کتاب تحت عنوان شرح اربعین، و در الذریعه نام (۷۶) اربعین را ملاحظه می فرمایید. و در عین حال موضوعات متنوعی ضمن اربعینیات، بررسی شده است: چون احکام فقهی، مسائل عرفانی و اخلاقی، فضائل و مناقب، اصول عقائد، و غیره.

در این مقال، تاریخ تدوین کتب اربعین و سیر اجمالی اربعین نویسی در بین علمای شیعه و اهل سنت و موضوعات مختلفی که در این کتب بررسی شده است به اجمال از نظر خوانندگان می گذرد.

۲- کسی که چهل حدیث برای امت من در مسائل دینی که مورد احتیاج آنان است، حفظ کند خداوند روز

قیامت وی را عالم و فقیه، محشور فرماید.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۸، ۴



نخستین کتاب اربعین:

تا آنجا که این جانب سراغ دارد، اولین کتاب اربعین، در نیمه سده سوم توسط دو نفر از عالمان حدیث، همزمان نوشته شده است.

نخست اربعین ابوالحسن طوسی، محمد بن اسلم بن سالم کندی متوفای ۲۴۲ هجری است که از ثقات محدثین خراسان بوده است.<sup>۴</sup>

دیگر اربعین ابوالحسن طوسی، مؤید بن محمد بن علی قرشی حافظ، که از ثقات و پیشوایان حدیث بوده و به سال ۲۴۲ هجری در گذشته است.<sup>۵</sup>

در اعصار بعدی اربعین نویسی متداول گشته و اربعین هائی در موضوعات مختلف، به رشته تحریر کشیده شده. تا جایی که شمار اربعین ها در سده ششم از چهل کتاب می گذرد. چنان که در تألیفات احمد بن عبدوس بن کامل سلمی سراج بغدادی متوفای ۲۹۳ هـ. به نام کتاب الأربعین من مسانید المشایخ العشرين عن اصحاب الأربعین برخورد می کنیم که حاکی از آنست که اربعین نویسی در سده سوم متداول گردیده است.<sup>۶</sup>

نیز در تألیفات عبدالله بن جعفر قشیری متوفای ۵۳۳ هـ. (کتاب الأربعین من مسانید المشایخ العشرين من الأصحاب الأربعین من العوالی) مؤید این معنی است.<sup>۷</sup>

در تألیفات شیخ منتجب الدین بن بابویه قمی صاحب کتاب (الفهرست) که به سال ۵۸۵ هـ. در گذشته نیز کتاب اربعین با

۴- فهرست المخطوطات دارالکتب الطاهرية، بخش حدیث.

۵- همان مدرک.

۶- تاریخ التراث العربی، ج ۱ ص ۴۱۲.

۷- فهرست المخطوطات الطاهرية.



نام (الأربعون حديثاً من الأربعين عن الأربعين في فضائل أمير المؤمنين) دیده می شود<sup>۸</sup> که حاکی از آنست که اربعین نویسی وارد مرحله فنی گردیده و به حسب موضوعات خاصی چون فضائل علی (ع) آن هم از چهل تن از منایخ حدیث، کتبی تدوین شده است که ما گونه های مختلف آن را تا بدانجا که مناسب وضع این مقال است از نظر اهل نظر می گذرانیم. ولی پیش از برشمردن اربعینیات، مناسب است درباره حدیث اربعین که منشأ اربعین نویسی شده است از لحاظ صحت و طرق اسانید آن به اجمال گفته شود.

#### سند حدیث اربعین:

می دانیم که احادیث منقول از مصدر نبوت تا اوایل سده دوم هجرت در گنجینه صدور یا کدلان محفوظ و سینه بسینه به دیگران منتقل می گردید. رسم نقل شفاهی حدیث موجب شد که دانشمندان برای جلوگیری از دستبرد درمسرآت نبوی، احادیث را هنگام نقل برای دیگران، با اسناد و ذکر وسائط بازگو کنند. و حتی در این باره حدیثی به علی علیه السلام نسبت داده شده است که می فرمود: «إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَاسْنَدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ، فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَهُ، وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَلَعَلَّهِ. يَعْنِي حَدِيثَ رَا مَسْتَنْدَ بِهِ كَسِي كَهْ أَزَاوُ تَنْتَنِدَهْ أَيْدِ نَقْلَ كْنِيْدَ تَا أَكْرَ رَاسْتِ اسْتِ أَزَاوُ وَ أَكْرَ دَرْوُغِ اسْتِ كَنَاشِ بَرَاوُ بَاشَدَ». و حضرت صادق (که در آغاز همین دوره می زیسته) به شاگردان خویش توصیه می فرمود که سلسله روایات را ذکر کنند. و حتی از آن جناب نقل شده که در معنی کذب مفسر می فرمود: هُوَ أَنْ يَحْدِثَكَ الرَّجُلُ

۸ الذريعة إلى تصانيف الشيعة. فهرست كتابخانه آستان قدس رضوی.



بالحدیث فترکہ و ترویہ عن غیرالذی حدتک به<sup>۹</sup>.

حال این وسائط کہ سلسلہ سند یا زنجیرہ ناقلین حدیث نامیدہ می شوند، در وثاقت و صحت نقل، مختلف است. وچہ بسا کسانی کہ بہ علی احادیثی از قول پیغمبر و امامان جعل کردہ اند و بہ این لحاظ ہرچہ بر زمان، می گذشت، مشکل شناسائی و اطلاع بر حال روات و ناقلان حدیث، بیشتر می گردید.

لذا از همان آغاز تدوین حدیث، علم معرفۃ الرجال (کہ در آن از احوال راویان، از لحاظ مراتب وثاقت و ضبط، بحث می شود) بہ رشتہ تحریر درآمد. چنان کہ بخاری مؤلف اولین کتاب از صحاح ششگانہ حدیث اہل سنت، کتاب دیگری بہ نام تاریخ الرواة (کہ مشہور بہ تاریخ بخاری است) تألیف نمود<sup>۱۰</sup>. و در شیعہ ہمزمان با تألیف کتب اربعہ حدیث، کتب اربعہ رجال و رجال غضائری و از آن پس رجال ابوالعباس بن سعد و رجال احمد بن نوح سیرافی و رجال عقیقی علوی و رجال برقی و رجال ابن فضال و محمد بن حسن محاربہ تدوین گردید<sup>۱۱</sup>.

و این از ویژگیہای مسلمین است کہ آنچه را از پیشوایانشان نقل می کنند، با وسائطی است کہ حالتشان معلوم و متوقع بہ اکثر آزان محرز است. اکنون می پردازیم بہ سند حدیث مزبور:

پارہ ای از احادیث بواسطہ تداول در السنہ کہ ناشی از کثرت نقل

۹- اصول کافی، ج ۱، ص ۵۲ چاپ آخوندی. مجمع البحرین، ضمن لغت فرع (یعنی کذب مفرغ آنست کہ حدیث را از کسی بشنوی ولی از دیگری کہ بہی حدیث نیست، روایت کنی).

۱۰- تاریخ بخاری ضمن (۸) جلد در ہندوستان چاپ شدہ است.

۱۱- کتب اربعہ رجال مسعہ عبارتند از: رجال کسی، معصر کسی (کہ مسیح موسی بر حقیقت نمودہ) و رجال عیسی و رجال و فہرست مسیح موسی کسی خود سر کسی در رجال حدیث مرقوم شدہ است.



درمجامع حدیث یا تعدد و تکثر سند آنست، شهرت یافته. اعم از اینکه سلسله سند تا به معصوم (ع) متصل باشد و افراد سلسله، رجالی موثق باشند یا حیثاً زنجیره سند تا به معصوم منقطع یا مرسل و یا بعضی افراد، از وثاق لازم برخوردار نباشند.

حدیث اربعین (من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً بُعثَ یومَ القیامة فقیهاً)<sup>۱۲</sup> در مدارک اهل سنت نیز چنین است. یعنی گرچه حدیث مشهور و سلسله سند آن مذکور است، بلکه با اسناد متعددی نقل شده است ولی تمامی سندها خالی از قدح و ضعف، نیست.

از طریق شیعه نیز به اسنادی نقل شده است که خوشبختانه بعضی اسناد، قوی است.

بنابر این کثرت نقل طرق حدیث در فریقین، می تواند جبران ضعف سند نماید. نخست بواسطه قوت نسبی بعضی از اسناد آن. و دیگر بواسطه شهرت روایی حدیث.

### گونه های حدیث اربعین در منابع فریقین:

چنانکه اشاره شد حدیث مزبور به انحاء مختلفی نقل شده است که گرچه اصل مضمون در تمامی انحاء منقول یکسان است، ولی در نقل بعضی روایات، اضافاتی است که مناسب است گونه های مختلف آنرا از کتاب (الفتح الکبیر فی ضم الزیادة الی الجامع الصغیر)<sup>۱۳</sup> و کتاب کشف

۱۲- هر کس برای امت من چهل حدیث حفظ کند روز قیامت، فقیه محشور خواهد شد.

۱۳- این کتاب همان جامع صغیر سیوطی است به انضمام اضافاتی که مؤلف پس از تدوین جامع، به آن دست یافته است و در کتابی علیحده آورده است. سپس شیخ یوسف نبهانی اضافات مزبور را به اصل جامع، به همان ترتیب، اضافه نموده. فتح الکبیر ضمن سه مجلد در قاهره انتشار یافته.



الخفاء علامه عجلونی، نقل کنیم:

الف: من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً من السنّة، كنت له شفیعاً وشهیداً يوم القيامة<sup>۱۴</sup>.

ب: من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً من سنتی ادخلته يوم القيامة فی شفاعتی<sup>۱۵</sup>.

ج: من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً، بُعث يوم القيامة فقیهاً<sup>۱۶</sup>.

علامه عجلونی پس از نقل طرق حدیث، می نویسد: حافظ دارقطنی فرموده کلیه طرق واسناد این حدیث، ضعیف است. آنگاه از قول حافظ ابن حجر آورده: که من طریقه های این حدیث را در جزئی جمع آوری نمودم ولی هیچ یک از طرق مزبور خالی از ضعف و علت نیست.

بیهقی نیز فرموده: متن این حدیث مشهور است ولی اسناد صحیحی ندارد.

ابن عساکر هم معتقد است که اسناد حدیث اربعین محل سخن است.

ابن حجر پس از نقل اقوال فوق گوید: حافظان حدیث متفق اند که این حدیث گرچه به طرق متعددی نقل شده است ولی خالی از ضعف نیست<sup>۱۷</sup>.

حدیث اربعین در کتب حدیث شیعه نیز به طرق متعددی نقل شده است که بعضی به حضرت رسالت منتهی می شود و برخی به ائمه اهل بیت. در وسائل الشیعه اغلب این طرق، و گونه های مختلف متن حدیث بیان

۱۴- ابن عدی در الکامل نقل از ابن عدس (مع کسر کف جده). و صدوق در حقه ابن عدس (خصال ص ۵۴۲) چاپ غفاری.

۱۵- ابن حجار از سی مع حدیثی (مع کسر کف جده).

۱۶- ابوالعلاء اصمعی راس عدس و اربعین من مسعود. و ابن حوری اربعین من مسعود.

ابیطالب (ع) و از انس بن مالک و از انس هریرة (کشف الخفاء).

۱۷- کشف الخفاء.



شدہ است<sup>۱۸</sup>.

ومابہ نقل سے روایت کہ مزیدی برروایات اہل سنت داردہ سندہ می کنیم:

۱- عن جعفر بن محمد عن ابيه ان رسول الله اوصى الى امير المؤمنين على بن ابي طالب (ع) وكان فيما اوصى به ان قال له: يا على من حفظ على امتي اربعين حديثاً يطلب بذلك وجه الله والدار الآخرة، حشره الله يوم القيامة مع النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقاً. (خصال ص ۵۴۲)

۲- عن الرضا عن آبائه عن النبي (ص) قال: من حفظ على امتي اربعين حديثاً ينتفعون بها بعثه الله يوم القيامة فقيهاً عالماً<sup>۱۹</sup>.

۳- عن حنان بن سدير، قال سمعت ابا عبد الله يقول: من حفظ عتاً اربعين حديثاً من احاديثنا في الحلال والحرام بعثه الله يوم القيامة فقيهاً عالماً ولم يعذبه. (خصال ص ۵۴۲)

چنان کہ ملاحظہ می شود طبق روایت اخیر، حفظ چهل حدیث، اختصاص به حدیث نبوی ندارد، وامام (ع) نظر اصلی را متوجہ نوع محفوظ فرمودہ است. یعنی آنچه را راوی برای امت حفاظت و ضبط می نماید، بطور کلی از امور باشد کہ بدان نفع برند و بیشتر عنایت به مسائل حلال و حرام است کہ بدین وسیلہ امت بہ وظائف شرعی خویش آشنا شوند و ہمین ویژگی است کہ راوی را در شمار فقہاء مبعوث می سازد. زیرا فقیہ نیز

۱۸- سنن نسائی، حدیث ج ۱، ج ۱۸ صفحات: ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۷۰.

۱۹- سنن نسائی، حدیث ج ۱، ج ۱۸ صفحات: ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۷۰ (مفعول به).

مفعول به: من حفظ عتاً اربعين حديثاً.



متکفل حفظ و ابلاغ حلال و حرام به افراد امت است<sup>۲۰</sup>.

### مباحث اربعینات:

پس از رواج اربعین نویسی که در آغاز مقصور بر جمع چهل حدیث و شرح الفاظ غریب آن می گردید، کم کم کتب اربعین بصورت موضوعی (یعنی جمع احادیث وارده تحت یک عنوان) درآمد. که از آن جمله است اربعین ابی عبدالرحمن سلمی در اخلاق صوفیه<sup>۲۱</sup>. و اربعین علی بن فضل، در فضائل دعا و داعی<sup>۲۲</sup>. و اربعین ذهبی (فی صفات رب العالمین). و اربعین های ابن عساکر و ابوالفرج مفری و چند تن دیگر در جهاد<sup>۲۳</sup>. و اربعین هائی که نظر مؤلف در آن، جمع روایات عالی السند یا مشایخ حدیث خویش در شهرها یا از طبقه خاصی بوده است.

چون اربعین رضی الدین طبری (الاربعین التساعیة الصحاح العوالی) (نسخه ش ۱۰۳ ظاهریه).

و اربعین رهاوی که چهل حدیث از راویان چهل شهر را جمع کرده (نسخه ش ۱۰۴۰ ظاهریه).

در این میان، اربعینهای فضائل و مناقب رقم چشم گیری دارد. بویژه در

۲۰- جملة (ماینفقون) یا (من مردینه) که در بعض روایات اربعین آمده است، در بعض حدیث زهدیات و فضائل و مناقب (که بعض اصحاب در آن به بعض اربعین پرداخته اند) جمع بحسب بعض خصوص که اگر نقل فضائل و مناقب موجب هدایت بامردین و مذهب گردد.

۲۱- نسخه ای از آن در دارالکتب الطاهریه، دمشق به شماره ۶۲ حدیث موجود است.

۲۲- نسخه ش ۱۸۹، ظاهریه.

۲۳- که نسخی از آنها را در دارالکتب الطاهریه می توان دید. و سند وجود بعضی از آنها در بعضی از نسخ لحاظ درگیری مسلمانان با مسیحیان مهاجم در جنگهای صلیبی بوده است که کشور اسلام را در آن زمان به حساب می آمده.



بین محدثین شیعه.

چون اربعین شیخ ابوسعید، محمد بن احمد ملقب به مفید<sup>۲۴</sup> جد شیخ ابوالفتوح رازی (صاحب تفسیر) که در فضائل امیرالمؤمنین جمع آورده<sup>۲۵</sup> و اربعین شیخ منتجب الدین که از چهل شیخ، چهل حدیث در فضائل علی بن ابیطالب گرد آورده و نسخه ای از آن در کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی موجود است.

و اربعین شیخ سلیمان ماحوزی در فضائل علی (ع) و امامت که از طرق اهل سنت چهل حدیث را جمع و شرح نموده است. و اربعین محمد شفیع استرآبادی در فضائل ائمه از طرق اهل سنت و غیر اینها که در کتاب شریف (الذریعه) معرفی شده است.

اربعینهای منظوم:

یکی از گونه های هنر شاعری، بکارگیری شعر و ادب فارسی در گزارش قرآن و حدیث است که از دیر زمان شاعرانی چون ناصر خسرو در قصائد غزای خویش و سنائی در حدیقه الحقیقه و عطار در مطاوی اشعارش و مولوی در مثنوی معنوی و به پیروی آنان شاعرانی دیگر بدین کار دست زده اند. در فضائل و مناقب اصحاب، نیز که از حضرت رسالت به صحت پیوسته، چه در تازی و چه در ادب پارسی، کاروان شعر و ادب گامهای بلندی برداشته است که نمونه های درخشانی را در شعر حسان بن ثابت و سدا سماعیل حمیری از پیشینیان، و سید حلاوی و آرزوی وصفی حلی از

۲۴- وی غیر از شیخ مفید، استاد سید مرتضی و رضی است.

۲۵- جای نسخه های آن را در الذریعه، ملاحظه فرمائید.



متأخران (درلسان تازی) و فرازهائی را در شعر ابن حسام و قاتانی و ملک الشعراء صبوری و مجمر... (در زبان فارسی) می بینیم.

گونه ای از این هنر، ترجمه کلمات قصار رسول اکرم و علی مرتضی است که به صورت صد کلمه یا چهل حدیث به نظم شیوای پارسی در آمده که از آن جمله است اربعین جامی که چهل حدیث کوتاه از کلمات در رباعیغمبر را ضمن چهل دوبیتی به نظم آورده. و هم او صد کلمه از لثالی منشور سخنان مولی را به سلک نظم در آورده است<sup>۲۶</sup>.

دیگر از کسانی که موفق به نظم احادیث قصار شده اند میرحسین هروی است که چهل کلمه از سخنان مولای متقیان را گزین نموده و هر کلمه ای را به دوبیت منظوم ساخته است<sup>۲۷</sup>.

محتمل است این میرحسین، همان امیرحسین حسینی هروی که به میرحسینی یا حسینی سادات، معروف است و از پیروان بهاء الدین مولتانی و شهاب الدین سهروردی است، بوده باشد، مشارالیه بیشتر ایام خود را در هرات می گذرانده و به ارشاد مردم می پرداخت و محله ای در هرات هنوز باقی است که به نام میرحسینی سادات معروف است.

و اگر ناظم همین امیرحسین باشد بی گمان جامی در نظم اربعین خویش از او پیروی نموده است.

ولی احتمال دارد که وی میرحسین بن یوسف معروف به سیف الدین

۲۶- صد کلمه جامی توسط علی اصرافیهانی ضمن مجموعه (نصاب و چهل حدیث و صد کلمه) به سال ۱۳۰۸ هـ. در تهران انتشار یافته است (الذریعة، ج ۱۵ ص ۳۰).

۲۷ و ۲۸- نسخه ای از این چهل حدیث در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است که به خط شاه محمود نیشابوری در ۹۵۲ کتابت شده است. نسخه ای نیز به خط همین شاه محمود در تملک شادروان مهدی بیانی بوده است (رجوع فرمایید به فهرست نسخه های خطی فارسی احمد منزوی).



هروی باشد که در معرفی آثارش به نظم چهل حدیث منظوم از مولی (ع) برخوردار می کنیم.<sup>۲۸</sup>

دیگر از کسانی که به نظم حدیث دست زده اند عادل بن علی (مرتب و منقح کننده ترجمان القرآن میر سید شریف است) که سه اربعین به نظم آورده است و محتمل است اربعین منظوم مطبوع که با این کلمه (قال النبی انما الأعمال بالنیات) شروع می شود از او باشد. نسخه ای از این چهل حدیث در کتابخانه مرکزی دانشگاه است که تاریخهای ۹۰۹-۹۱۲ هـ. دارد و حدیث یاد شده را با این بیت ترجمه کرده است:

اصل اعمال نیت نیکو است نیت نیک دار، ای مهتر<sup>۲۹</sup>

اربعین یا (چهل حدیث) دیگری نیز در دانشگاه تهران است که چون تاریخ کتابت نسخه را ۹۰۹-۹۱۲ نوشته اند و با نسخه پیشین که از عادل بن علی یاد شد یکزمان کتابت شده است بظن قوی، اربعین دوم عادل بن علی باشد که به این حدیث نبوی (ان الله خلق آدم علی صورته) و به این بیت (بدرستی که خلق کرد خدا = آدمی را به صورت زیبا) ترجمه شده است، آغاز می گردد.

اربعین سوم عادل بن علی نیز به همان قرینه (یعنی تاریخ سال ۹۰۹-۹۱۲) که یاد شد در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است که به حدیث نبوی (انا مدینه العلم و علی بابها) و به ترجمه: (گفت پیغمبر خدا که منم شهر علم و علی مراورا در) شروع می شود.<sup>۳۰</sup>

۲۹- فهرست نسخه های خطی فارسی احمد منزوی ج ۲/۲ ص ۱۵۹۷. در همین کتاب، نسخه های دیگر

از چهل حدیث را با خطه قلم برد.

۳۰- فهرست نسخه های خطی فارسی احمد منزوی ج ۲/۲ ص ۱۵۹۷.



دیگر از اربعینهای منظوم: اربعین ابن همام شیرازی است (نسخه دانشگاه تهران به خط نستعلیق مورخ ۹۰۳ به نقل منزوی در فهرست نسخه های فارسی).

دیگر چهل حدیث منظومی است از احادیث نبوی که به این حدیث آغاز می شود: مَنْ حَفِظَ مِنْ اَمْتِ اَرْبَعِینَ حَدِیثًا... (هر که او چهل حدیث یاد گرفت. از احادیث مهتر عالم)<sup>۳۱</sup>.

از کسانی که صد کلمه یعنی صد حدیث کوتاه را به نظم آورده اند یکی همان عادل بن علی است که گفتیم چهار اربعین را نیز به نظم آورده. نسخه ای از صد کلمه عادل در کتابخانه ملی ملک (۲۳۹۸/۱۶) مورخ ۹۰۹-۹۱۲ هـ. موجود است<sup>۳۲</sup>.

نیز مولانا عبدالباقی خطاط است که او نیز صد کلمه از سخنان کوتاه مولا (ع) را به نظم در آورده است. و نسخه دستخط شاعر که در اوج جمال و زیبایی است در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

### نسخ اربعین جامی:

اربعین جامی به واسطه شهرت و مقبولیت مؤلف<sup>۳۳</sup> و نیز به واسطه همزمانی با پادشاه و وزیری هنر پرور چون سلطان حسین بایقرا و امیر عدشیر نوائی که هر دو از ارادتمندان جامی بوده اند و نیز بواسطه اقامت در هرات

۳۱- فهرست نسخه های خطی و رسی احمد مروج ۲ به نقل فهرست مورخ ۱۰۰۰ هـ. ج ۲، ص ۱۰۱.

۳۲- فهرست نسخه های خطی و رسی مروج.

۳۳- که حنی سلطان محمد و نج پادشاه عظمی عثمانی و چهار صد نفره فرستادند و در حوض بروج...

حوالی داشته اند (رجوع کنید به تاریخ دست دگر صد) و سید... و فرید... و...

چهل حدیث را به خط زیبای خویش نوشته است (رجوع کنید به فهرست نسخه های خطی مروج).



که در آن زمان مرکز تجمع هنرمندان و مخصوصاً خوش نویسان گردیده بود، در زمان مؤلف به پیرایه خط زیبای هنرمندان جمال بقا یافته است که آقای احمد منزوی سی و سه نسخه از آن را در فهرست نسخه های خطی فارسی (ص ۱۵۹۶) معرفی کرده است که از آن جمله:

نسخه ای است به خط زیبای بایزید فرزند سلطان سلیم، پادشاه عثمانی.  
و نسخه ای است به خط نستعلیق بسیار عالی شاه محمود نیشابوری و نسخه ای به خط میر علی هروی (که هر دو در کتابخانه سلطنتی تهران موجود است).

و نسخه ای به خط عبدالرشید دیلمی (در کتابخانه سلطنتی).  
و بالاخره نسخه ای (که از نظر می گذرانید) به خط سلطانعلی مشهدی در آستان قدس رضوی.

جامی:

نورالدین عبدالرحمن جامی به سال ۸۱۷ هجری در خرگرد جام در خراسان تولد یافت. خود گوید:

بسال هشتصد و هفده ز هجرت نبوی

بدین حضیض هوان سست کرده ام پروبال

وهم او در باره زادگاه خویش گوید:

جرعه جام شیخ الاسلامی است

مولدم جام ورشحه قلمم

بدو معنی تخلصم جامی است

لاجرم در جریده اشعار

نسبش به محمد بن حسن شیبانی که از اصحاب ابوحنیفه و از

مجتهدین بزرگ حنفی است می رسد.



پدرش نظام الدین احمد بن شمس الدین محمد دشتی است. و دشت محله ای در اصفهان است که معلوم نیست به چه سبب به جام انتقال یافته است. جامی مقدمات را در جام نزد پدر آموخت و بعد به همراهی وی به هرات و سپس به سمرقند رفت و در آن دیار که مرکز علوم اسلامی و ادبیات فارسی بود به کسب علم و ادب پرداخت. و در ریاضت به طریقه نقشبندیه که مؤسس آن بهاء الدین نقشبند بود به سیر و سلوک پرداخت و رشته ارادت جانشین بهاء الدین، یعنی خواجه عبدالله احرار را برگردن نهاد. ضمناً به خدمت سعد الدین کاشغری مشرف شد و تا وی زنده بود در سلک مریدان وی منتظم بود و پس از استاد خلافت این طریقت بدو تعلق گرفت<sup>۳۴</sup>.

جامی در شصت سالگی (به سال ۸۷۷) به قصد زیارت خانه خدا و حج بیت الله الحرام راهی سفر شد و پس از انجام فریضه از راه دمشق به بغداد و از آنجا به تبریز وارد شد و در سال ۸۷۸ به هرات مراجعت نمود.

جامی قسمتی از زمان شاه رخ و تمام دوره ابوالقاسم بابر و دوران ابوسعید گورکان را درک کرده و با سلطان یعقوب آق قویونلو (۸۹۶ هـ.) و جهانشاه قره قویونلو (۸۷۲ هـ.) و سلطان محمد فاتح (۸۸۵ هـ.) معاصر بوده است و سلطان محمد را در قصائد خویش مدح گفته<sup>۳۵</sup>.

ولی به روایت دولت شاه که معاصر جامی بوده است، در اواخر عمر پیشه شاعری را ترک کرده و از آن بعد جز بندرت شعری نسرود. و دل به تحقیق مسائل دینی سپرد. خود گوید:

جامی لب گفتگو فرو بندد دگر  
دل شیفته خیال میسندد دگر

۳۴. ریحانة الادب، تاریخ ادبیات دکتر صفا، ریه ص ۳۰۷.

۳۵. دائرة المعارف مصاحب.



در شعر مده عمر گرانمایه بباد انگار سیه شد ورقی چند دگر  
جامی عمر دراز خود را (حدود هشتاد سال) بیشتر در هرات گذرانید  
وعلاوه بر افادات شفاهی وارشاد مریدان موفق به تألیف کتب ارزشمندی  
در علوم مختلف گردید که از آن جمله است:

۱- نفحات الأنس که اصل آن طبقات الصوفیة محمد بن حسین سلمی  
نیشابوری (-۴۱۲ هـ) بوده است که خواجه عبدالله انصاری آنرا از عربی به  
زبان هروی تقریر و شرح نموده است و سپس جامی به خواہش امیرعلیشیر  
نوائی تحریر خواجه را به فارسی برگردانیده. نفحات، شرح حال ۶۱۴ تن از  
عرف و مسایخ است.

دیگر از تألیفات جامی است: لوائح در معرفة الله بمذاق عرفاء<sup>۳۶</sup>،  
و لوامع در شرح قصیده خمريه ابن فارض مصری در عرفان و شواهد النبوة  
در باره حضرت رسالت (ص) واشعة اللمعات (در شرح لمعات عراقی)  
و بهارستان (که به تقلید از گلستان در حکایات ادبی و عرفانی است) و شرح  
کافیه ابن حاجب در نحو (که از کتب درسی حوزه های علمیه بوده است).  
جامی در شعر مقام والائی داشته چنان که در غزل وی را مؤسس  
سبک هندی می شمارند<sup>۳۷</sup> و قصائدش نیز در انسجام و متانت در شمار بهترین  
قصائد شعرای پارسی زبان است. در مثنوی نیز در رده نخست مثنوی-  
سرایان محسوب می شود و هفت اورنگ وی<sup>۳۸</sup> شاهد این مدعا است.

۳۶. رساله ای است سنی به لوائح در بیان معارف و معانی که بر الواح اسرار و ارواح ارباب عرفان... لایح

... کتاب توسط استاد یان ریچارد با برگردان آن بزبان فرانسوی در پاریس چاپ شده است.

۳۷. تاریخ ادبیات صفا.

۳۸. شامل هفت مثنوی است به نام: سلسلة الذهب، سلامان و ایصال، تحفة الاحرار، مسحة الابرار، یوسف و

ح، لیلی و محتون، خرد نامه اسکندر.



چنان کہ پس از وی شاعرانی چون زلالی خوانساری و درویش اشرف  
به اقتباس از وی ہفت اورنگ ساختہ اند۔

جامی سرانجام بہ سال ۸۹۸ ہجری بہ هنگام اذان صبح در ہرات  
بدرود حیات گفت۔ و سلطان حسین بایقرا و امیر علی شیرنوائی و مردم ہرات  
از وضع و شریف جنازہ وی را از منزلش تشیع و بہ عید گاہ ہرات بردہ،  
پیش روی مرادش سعدالدین کاشغری دفن نمودند<sup>۳۹</sup>۔ و بدین گونه دفتر  
حیات بزرگترین استاد سخن بعد از عہد حافظ و سعدی<sup>۴۰</sup> در ہم نوردید۔  
در بارہ تاریخ وفات وی گفتہ اند: و من دخلہ کان آمنا۔

#### سلطانعلی مشہدی<sup>۴۱</sup>

نظام الدین سلطانعلی مشہدی بہ سال ۸۴۱ھ۔ در مشہد طوس چشم بہ  
جہان گشود۔ و در کودکی پدر را از دست داد و تحت عنایت مادری پارسا در  
زاد گاہ خود بہ کسب کمال پرداخت۔ از اوان طفولیت بہ خط نویسی علاقہ  
داشت و در این مہم از ہیچ گونه کوشش دریغ نوزید۔ چنان کہ در خوش-  
نویسی شہرت یافت۔

بہ سال ۸۶۵ھ۔ سلطان ابوسعید گورگانی اورا بہ ہرات دعوت نمود۔  
وی در آن دیار ضمن ملازمت سلطان، بہ تکمیل خط پرداخت چنان کہ وی  
را علاوہ بر لقب تشریفی کاتب السلطان بہ القاب: قبلۃ الکتاب و زبدۃ الکتاب  
و سلطان الخطاطین ستودہ اند۔

۳۹۔ منصف داف، تصحیح سند من ہروی (ص ۱۰۱)۔

۴۰۔ تاریخ دست ص ۱۰۰۔

۴۱۔ کتب سنجہ حصہ ۱۔



سلطانعلی پس از درگذشت ابوسعید، در دربار سلطان حسین میرزای بایقرا به کتابت مشغول شد و تا پایان روزگار بایقرا یعنی حدود چهل سال ملازم و کاتب آن امیر و مورد توجه وی بود.

قبلة الکتاب پس از مرگ بایقرا روی دل به قبلة هفتم و ذیل عنایت امام هشتم آورد و در مشهد مقدس رخت اقامت افکند و بقیة عمر را در این بلدة طيبة بسر برد تا به سن ۸۵ سالگی به سال ۹۲۶ هـ. درگذشت و درجوار مرقد امام (ع) دفن شد.

سلطانعلی در خط نستعلیق شاگرد اظهر و به قولی شاگرد حافظ محمد که از شاگردان اظهر است، بوده. و معروفترین شاگردان او عبارتاند از سلطان محمدنور و سلطان محمدخندان و سلطان محمدابریشمی و علاءالدین محمد<sup>۴۲</sup>. سلطانعلی ضمن اقامت در هرات و در ارتباط با سلطان حسین بایقرا با جامی که از مقربان درگاه سلطنت بود آشنا شد و به وی ارادت پیدا کرد. و همین علاقه موجب گردید که بسیاری از آثار منظوم و منثور جامی را به زیور خط خویش آراست<sup>۴۳</sup> که از آن جمله چهل حدیث جامی است که نسخه های متعددی از آن به خط سلطانعلی، زینت بخش کتابخانه هاست<sup>۴۴</sup> که از آنها نسخه کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی یعنی نسخه مُشاهد است که اداره انتشارات آستان قدس بر آن شد که با چاپ آن ضمن نشر نمونه ای از احادیث نبویه گوشه ای از آثار اساتید هنر اسلامی را در اختیار سفتگان هنر قرار دهد.

۴۲. و هکذا معین.

۴۳. اخوان و آثار خوس بوسید مقدس - سی

۴۴. رجوع کنید به فهرست نسخه های خطی و رسمی، مسووم، ج ۴ ص ۲۷۵۷.



## اربعین جامی

صحیح ترین حدیثی که راویان مجالس دین و مُحَدَّثان مدارس یقین  
املا کنند، حمد دانائیست که کلمات تامّة جامعہ بزبان معجز بیان حبیب  
خود گذرانیده و آنرا تالی کلام کامل و خطاب شامل خود گردانیده و بنقل  
رُواة ثقّہ بعد ثقّہ، بگوش محرومان از سعادتِ صحبت<sup>۱</sup> رسانیده و بنور علم<sup>۲</sup>،  
و عمل بموجب علم از ظلمات ضلالتشان رهاانیده. صلی اللہ علیہ و علی آلہ  
و اصحابہ نقلة علومہ و حفظہ آدابہ.

این چهل کلمه است از آن کلمات که سهولتِ فهم<sup>۳</sup> را بنظم فارسی  
ترجمہ کرده می آید. امیدواری<sup>۴</sup> که ناظم مترجم، امروز در شرط مَنْ حَفِظَ  
عَلَى أَمْتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا يَنْتَفِعُونَ بِهِ، داخل شود<sup>۵</sup> و فردا بسعادت جزاء: نَعْتَهُ  
اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا، واصل. وَمِنَ اللَّهِ يَكُونُ الْكَوْنُ وَالْعِصْمَةُ وَالْعَوْنُ  
والتوفيق<sup>۶</sup>.

۱- صحبت وی (خ د)

۲- علم به آن (خ د)

۳- و حفظ (خ د)

۴- امیدواری آنرا (خ د)

۵- نسخه ما کلمه (شود) را ندارد

۶- یكون العِصْمَةُ وَالْعَوْنُ وَالتَّوْفِيقُ (خ د)



۱۔ لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ

ہر کسی را لقب مکن مؤمن  
تا نخواهد برادر خود را  
گرچه از سعی جان و تن کاھد  
آنچه از بہر خویشتن خواھد

۲۔ مَنْ آغَطَى لِلَّهِ وَمَنَعَ لِلَّهِ وَآحَبَ لِلَّهِ وَأَبْغَضَ لِلَّهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ إِيْمَانَهُ

ہر کہ درحب و بغض و منع و عطا  
نقد ایمان خویش را یابد  
نبودش دل بغیر حق مایل  
برمحک قبول حق کامل

۳۔ الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ

مسلم آنکس بود بقول رسول  
کہ بہر جا بود مسلمانی  
گرچه عامی بود و گر عالم  
باشد از قول و فعل او سالم

۴۔ خَصْلَتَانِ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي مُؤْمِنٍ الْبُخْلُ وَسُوءُ الْخُلُقِ

بذل کن مال و خوی نیکوورز  
زانکہ در هیچ مؤمنی باہم  
راہ ایمان اگر ہمی پویی  
نشود جمع بخل و بدخوئی

۵۔ يَشِيبُ ابْنُ آدَمَ وَيَشُبُّ فِيهِ خَصْلَتَانِ الْحِرْصُ وَطُولُ الْأَمَلِ

آدمی را ز پیری افزاید  
لیک دروی جوان شود دو صفت  
هرزمان در بنای عمر خلل  
حرص بر جمع مال و طول امل

۲۔ الفتح الکبر عن ابی امامہ.

۱۔ فی صحت تاجد عن انس

۳۔ فی صحت عن عائشہ عن عمر

۴۔ برمدی و بعد ہی عن ابی سعد خدری (کشف الحقائق)

۵۔ برمدی و ابوہریرہ عن ابی ہریرہ (کشف الحقائق) بہت من شہاد

86180 66680

<https://t.me/ketaberfani>



۶۔ مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ

بتو نعمت زدست هر که رسد  
نه بمیدان شکر کو بی پای  
کی بشکر خدا قیام کند  
تارک شکر بندگان خدای

۷۔ مَنْ لَا يَرْحَمِ النَّاسَ لَا يَرْحَمُهُ اللَّهُ

رحم کن رحم، زانکه بر رخ تو  
در رحمت جز از تو نگشاید  
تا تو بر دیگران نبخشایی  
ارحم الراحمین نبخشاید

۸۔ الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ وَمَلْعُوكٌ مَا فِيهَا إِلَّا ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى

هدف لعنت خدای آمد  
دُنْیای و هر چه هست در دنیای  
غیر ذکر خدا که صاحب ذکر  
در دو عالم بر حمتست اولی

۹۔ لُعِنَ عَبْدُ الدِّينَارِ لُعِنَ عَبْدُ الدَّرْهِمِ

گرچه هست آفتاب رحمت حق  
شامل ذره ذره عالم  
باد از آن دور بنده دینار  
باد از آن دور بنده درهم

۱۰۔ دُمٌ عَلَى الظَّهَارَةِ يُوسَّعُ عَلَيْكَ الرِّزْقُ

ای کز آلودگی تو شب و روز  
فاقه و فقر تو زیاده شود  
بی طهارت مباش تا بر تو  
روزی تنگ تو گشاده شود

۶۔ فی سبب عن سی هريرة ينفذ لا يشكر الله من لا يشكر الناس

۷۔ ترمذی و ابو داود عن اسی هريرة (کشف حجاب)

۸۔ ترمذی عن اسی هريرة (کشف حجاب)

۹۔ ترمذی عن سی هريرة (فتح مکرر)

۱۰۔ بحر الاورج ۱۶، ص ۳۱۹



### ۱۱۔ لَا يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ حُجْرٍ وَاحِدٍ مَرَّتَيْنِ

دگر از وی مدار چشم وفا  
هر که شد با تو در جفا گستاخ  
زانکه هرگز دوباره مؤمن را  
نگزد مار از یکی سوراخ

### ۱۲۔ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْعِدَّةُ دَيْنٌ

مرد را هر چه بگذرد بزبان  
عیب باشد و رای آن کردن  
وعدہ در ذمہ کرم قرض است  
فرض باشد ادای آن کردن

### ۱۳۔ الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

ای شده محرم مجالس راز  
راز هر مجلسی امانت تست  
مکن افشای راز مجلس کس  
زانکه افشای آن خیانت تست

### ۱۴۔ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ، صَدَقَ

هر که در مشورت امین توشد  
گرچه باشد امان روی زمین  
چون نهان دارد آنچه مصلحت است  
خائنش خوان بحکم دین نه امین

### ۱۵۔ السَّمَاخُ رِبَاحٌ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

سود اگر بایدت زمایه خویش  
دست بخشش گشا و بخشایش

۱۱۔ فی الشہاب عن ابن عمر، یلدغ من اللدغ و هو تسع العقرب (من المنجد)

۱۲۔ فی الشہاب عن علی (ع)، العدة؛ الوعد (المنجد)

۱۳۔ فی الشہاب عن حابر بن عبد الله

۱۴۔ فی الشہاب عن ابی هريرة

۱۵۔ فی الشہاب عن عبد الله بن عمر، السماخ؛ بکسر ال سین وفتحها مصدر بمعنی السماحة ای الجود (من المنجد)



سودت اکنون ستایش وفردا درجوار خدای آسایش

### ۱۶۔ اَلَدِّينُ شَيْنُ الدِّينِ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

نکشد بھر مال دنیسی رنج هر که خواهد کمال بھرہ دین  
جھرہ دین مکن بناخن دین تانکاھد جمال چھرہ دین

### ۱۷۔ اَلْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَعُ، صَدَقَ

صاحب حرص را زخوان کرم فیض احسان نمیرسد هرگز  
بقناعت گرای کان مالیست کہ بیایان نمیرسد هرگز

### ۱۸۔ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الصَّبْحَةُ تَمْنَعُ الرِّزْقَ

ای کمر بسته کسب روزی را صبح خیزی دلیل فیروزیست  
بھر خواب صباح چشم میند زانکہ آن خواب مانع روزیست

### ۱۹۔ كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا سَمِعَ، صَدَقَ

مرد را بس همین گنہ کہ قدم از مقرّ امان نہد بیرون  
ھر چہ آید درون ز روزن گوش از ممرّ زبان دھد بیرون

۱۶۔ فی سہاب عن معاذ بن جبل عن محمد بن عبد الله بن مسعود

۱۱۔ فی سہاب عن انس

۱۱۔ فی سہاب عن عثمان بن عفان، وروود عندہ عن محمد بن رواد، وجمعہ عن محمد بن کثیر (تحد)

و صحیحہ، فتح الباری، ج ۱، ص ۱۰۰ (متحد)

۱۹۔ فی سہاب عن حفص بن عمر



۲۰۔ قال رسول اللہ: السَّعِيدُ مَنْ وَعَظَ بِغَيْرِهِ

نیکبخت آنکسی کہ می نبرد  
شک بر نیک بختی دگران  
سختی روزگار نادیده  
پند گیرد ز سختی دگران

۲۱۔ آفَةُ السَّمَاكِ الْمَنْ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

کی بہ نعمت کسی شود دل گرم  
چون ز منت کنندم سردی  
غیر باد خزان منت نیست  
آفت روضہ جوانمردی

۲۲۔ قال رسول الله: كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعِظًا

چند گیری بمجلس واعظ  
پای منبری گرفتن پند  
وعظ توبس بمرگ همسایہ  
نعرہ نوحہ گرببانک بلند

۲۳۔ خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ

ای کہ پرسى کہ بہترین کس کیست  
گویم از قول بہترین کسان  
بہترین کس، کسی بود کہ بخلق  
بیش باشد ز خلق نفع رسان

۲۴۔ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ السَّهْلَ الْطَلْقَ، صَدَقَ

تا خدا دوست گیردت با خلق  
یکدل و یکزبان و یکرو باش

۲۰۔ فی الشہاب عن عائشہ

۲۱۔ فی الشہاب عن علی

۲۲۔ فی الشہاب عن عمار بن یاسر، بزیادۃ: وکفی بالیقین غنی، وکفی بالعبادۃ شغلاً.

۲۳۔ فی الشہاب عن جابر بن عبد اللہ

۲۴۔ فی الشہاب عن ابی ہریرۃ، رجل طلق البدین: سخی، ورجل طلق الوجه: ضاحکہ (المنجد)



شاد طبع و شگفتہ خاطر زی نرم خوی و گشادہ ابرو باش

۲۵۔ قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم تَہَادُّوا تَحَابُّوا

دوستی مغزو پوست دشمنی است تا کی از مغز سوی پوست شوید  
بہدایا کنید داد و ستد تا بہم زان وسیلہ دوست شوید

۲۶۔ اُظْلَبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حَسَنِ الْوُجُوهِ

بردر خوب روی منزل گیر چون پی حاجتی برون آئی  
تا از آن پیشتر کہ حاجت تو دہد، از دیدنش بیاسائی

۲۷۔ زُرْغَبًا تَزِدُّ حُبًّا، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

دیدن دوست دوست را گہ گہ چہرہ دوستی بیاراید  
زاتفاق دوام صحبت شان شوق کاہد، ملالت افزاید

۲۸۔ طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ

ای خوش آنکو بعیب بینی خویش پیشوای ہنروران گردد  
عیب او پیش دیدہ دل او پردہ عیب دیگران گردد

۲۵۔ فی السنن عن عبد بن عمرو بن العاص عن رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

عن

۲۶۔ فی السنن عن عبد بن عمرو بن العاص

۲۷۔ فی السنن عن عبد بن عمرو بن العاص عن رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم

۲۸۔ فی السنن عن عبد بن عمرو بن العاص



۲۹۔ اَلْغِنَى: اَلْيَأْسُ مِمَّا فِى اَيْدِى النَّاسِ

گر دلت را توانگری باید      که توانگر دلی نکو هنریست  
باز کش دستِ همت از چیزی      که بدست تصرف دگریست

۳۰۔ مِنْ حُسْنِ اِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَغْنِيهِ

تا شود درجهانِ علم و عمل      شاهد دین تو جمال افزای  
زانچه درخور نیفتد باز ایست      زانچه لایق نباشد بازآی

۳۱۔ اَلْجَنَّةُ تَحْتَ اَقْدَامِ الْاَقْمَهَاتِ

سر ز مادر مکش که تاج شرف      گردی از راه مادران باشد  
خاک شوزیر پای او که بهشت      در قدمگاه مادران باشد

۳۲۔ اَلْبَلَاءُ مُوَكَّلٌ بِالْمَنْطِقِ، صَدَقَ رَسُولُ اللّٰهِ

هر که شد مبتلا به پرگویی      به بلائی عجب گرفتار است  
هر بلائی که میرسد بکسان      بیشتر از ممرِ گفتار است

۳۳۔ اَلنَّظَرُ سَهْمٌ مِّنْ سَهَامِ ابْلِيسَ، صَدَقَ

دیدن زلف و خالِ نامحرم      دانه کید و دامِ تلبیس است

۲۹۔ السَّهَابُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ عَمْرٍو

۳۰۔ السَّهَابُ عَنْ ابْنِ مَرْزُوقٍ

۳۱۔ السَّهَابُ عَنْ ابْنِ مَرْزُوقٍ

۳۲۔ فی السَّهَابِ عَنْ عَلِيٍّ (ع) وَحَدِيثُهُ بِنِيعَانَ

۳۳۔ فی السَّهَابِ عَنْ حَدِيثِهِ



هر نظرنا و کیست زهرآلود      که زشت و کمانِ ابلیس است

۳۴۔ لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ، إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ  
عِنْدَ الْغَضَبِ

پهلوان نیست آنکه در کشتی      پهلوانی دگر بیندازد  
پهلوان آن بود که گاه غضب      نفسِ اماره را زبون سازد

۳۵۔ لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ، إِنَّمَا الْغِنَى عَنِ النَّفْسِ  
نَه تَوَانِگَر کسی بود که بمال      کار پرداز و چاره ساز بود  
آن بود کز شهود فضل خدای      از زرو مال بی نیاز بود

۳۶۔ وَمِنْ كَلَامِهِ صَلَوَاتُ الرَّحْمَنِ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْحَزْمُ سُوءُ الظَّنِّ  
حزم مرد آن بود که درهمه وقت      درحق خلق بد گمان باشد  
درهمه کار احتیاط کند      تا ز هر کید در امان باشد

۳۷۔ وَمِنْ كَلَامِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلْعِلْمُ لَا يَحِلُّ مَنَعُهُ  
ای گرانمایه مرد دانش ور      که ترا علم دین بود معلوم  
مستعد را از آن مشو مانع      مستحق را از آن مکن محروم

۳۴۔ فی شهاب عن سی هريرة، و صرعة: عره من ضرع، ع: صرعه صرحه عن: (ص: ۱۰۰)

۳۵۔ روى سحرى و منسبه عن سی هريرة (کشف حجب)، عرض و جمعه: عرض جمع، عن: عن سی  
سوى درهم و دربر، و عرض و جمعه، لعارض: مع: لادوه - جمع: حقه - (ص: ۱۰۰)

۳۶۔ فی الشهاب عن عبد الرحمن بن عمار

۳۷۔ فی الشهاب عن انس



۳۸- وَمِنْ كَلَامِهِ: اَلْكَلِمَةُ الطَّيْبَةُ صَدَقَةٌ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

سخن نرم گوی با سایل  
زانکه در روی اهل حاجت هست  
گر ز مالش نمی دهی نفقه  
قول خوش از مقوله صدقه

۳۹- وَمِنْ كَلَامِهِ: كَثْرَةُ الضَّحِكِ تُمِيتُ الْقَلْبَ

خرم آنکس که بهر زنده دلی  
خنده کم کن که خنده بسیار  
زیر لب خنده را بمیراند  
صد دل زنده را بمیراند

۴۰- لَا يَسْبَعُ الْمُؤْمِنُ دُونَ جَارِهِ، صَدَقَ رَسُولُ اللَّهِ

هر که در کشور مسلمانی  
کی پسندد که خود بخشدسیر  
باشد از نقد دین گرانمایه  
بنشیند گرسنه همسایه

\*\*\*

اربعینهای سالکان جامی  
نیست از فضل حق عجیب و غریب  
هست بهر وصول صدر قبول  
که بدین اربعین رسی بوصول

۳۸- فی السُّبُحِ عَنْ ابْنِ هُرَيْرَةَ

۳۹- فی السُّبُحِ عَنْ ابْنِ هُرَيْرَةَ

۴۰- فی السُّبُحِ عَنْ عُمَرَ



# اربعین

نور الدین عبدالرحمن

<https://t.me/ketaberfani>



کاتب

سلطانی مشہد



[illegible]



یوم اکون اعمت و اعون

یومن احد کم حتی حیب لا خیر ما حیب نفس

یومن احد کم حتی حیب لا خیر ما حیب نفس

من اعطی الله و منع الله و حب الله و بغض الله و شکر الله و کفر الله

یومن احد کم حتی حیب لا خیر ما حیب نفس

المسلم من سلم المسلمون من لسانه و یدیه

پسند پس بود بقول پول کرد عایه بود در عالم



کہ بر جہود سپاسیہ باشد ز قول و فعل و سپاس

خصلتان لاکھتیاں ہے مومن النخل و سوچ خلق

بذل کر جان و خوی کیلئے  
نہایت غریب و نیاز  
نہایت غریب و نیاز

شبستان دم و شب فیہ خصلتان بحر صراط اللہ

مومن بنی آدم  
سپاسیہ  
مومن بنی آدم

من لم یشکر الناس لم یشکر اللہ

توفیق زہدیت مرکہ سپہ  
نہایت غریب و نیاز



کہ شکر تیرا کہ شکر تیرا

مس لایرسم الفا پس لایرسم

میں نے شکر کیا ہے  
میں نے شکر کیا ہے

الدیہ ملعونہ ملعونہ فیہا ذکر اللہ تعالیٰ

بے ذکر و بے ذکر  
بے ذکر و بے ذکر

لعن عدا الدیہا رلعن عدا الذرعم

کر بے پست شتاب بے مت حق شامل ذرہ ذرہ عالم



بسم اللہ الرحمن الرحیم

دم عطا ہوا تو یوں یک وقت

بہشت میں پہنچا تو یوں

بیش المؤمنین میں

نہاں ہوا تو یوں

فان چوں کہ یہی ہے پسماندہ

میں سے بہتر ہے



بسم اللہ الرحمن الرحیم

بجای اول از تصدیق مول

بجای اول از تصدیق مول  
بجای اول از تصدیق مول

تعالی پویش الی پشاور موثرین صدق

بجای اول از تصدیق مول  
بجای اول از تصدیق مول

پیمای رمان صدق پویش

بجای اول از تصدیق مول  
بجای اول از تصدیق مول



سورت کنون پیشین فو...  
و جود نہ ی پدیش

الدین شین الدین صدق رسول اللہ

اللہ بڑا بخشنے والا ہے  
یہ خدا کا سچا رسول ہے

انسان مال انفس صدق

مومنوں کو دنیا  
فانی ہے اور آخرت  
مومنوں کو دنیا  
مومنوں کو دنیا

فال رسول اللہ الصمد بمنع الرزق

اللہ پاک بے نیکی ہے  
مسیح نبی و مانی ہے



بدرست مسلمان بنیں اور کوفی بدعت بدست

کنفی المراثمان حدیث کل ما یسمع صدق

بدرست مسلمان بنیں اور کوفی بدعت بدست

قال رسول اللہ صلی علیہ وسلم

بدرست مسلمان بنیں اور کوفی بدعت بدست

انما الیوم صلی اللہ علیہ وسلم

کی بخت کسی کو مل کر م



از بہت نشت است وقت بے ہوشی

فال پول نہ کف بالموت و عطا

بہشتی چہ چاہی  
وہشتی چہ چاہی

خیر انفا پس انفعہم للنا پس

دہائی پانچویں  
پانچویں پانچویں

ان انکب الپہل اظہر صدق

تند و پت کیرت ہنق | کیم لیکڑی کیر و باش



شماره پنجمت نامور ہے نیم خیز کشت ابرو پیش

قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم تمادوا تحابوا

بہشتی چاہو تو دنیوی چاہو  
نہیں دیکھو تو دیکھو

اُطلبوا اینسر عند پان لوجو و

دوست دینی چاہو تو دوست دنیاوی چاہو  
دوست دنیاوی چاہو تو دوست دینی چاہو

ز رجب سازد و بسا صدق رسول اللہ

بہن دوست دوست گرگ پر دوستی پانیہ



شیر، تر تار، شیر، تر تار

طولی ملش غلہ میب من صوب لٹا پس

شیر، تر تار، شیر، تر تار

لغنی ایلا پس مانی پدی تار پس

شیر، تر تار، شیر، تر تار

مرج پس اسد ام الم ترکہ مانا میب

شیر، تر تار، شیر، تر تار



بیت نخست

بیت نخست  
اقدام اہمیات

بیت دوم  
مکمل بالمنطق صدق سوال

بیت سوم  
نظم سر پہم سپوم من بچام اہم پس صدق

بیت چہم  
یہ رف و ناسم

بیت پنجم  
نیکو و دہم پست

بیت ششم  
نیکو و دہم پست



در وقت باران از اجزای میوه است

يَا شَدِيدُ الْعِقَابِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ الْغَضَبُ

پیشانی و پیشانی

ليس في عن كثرة العرض لنا العنى الى النفس

مجلس ۱۰۰

و من کلامه صلوات الله الرحمن علیه وآله انحرمت المظن

جرم و آن کو که در دست  
و خلق و کمان است



بسم اللہ الرحمن الرحیم

وہر کلامیہ صلی اللہ علیہ وآلہ العہد لم لا یحل

وہر کلامیہ صلی اللہ علیہ وآلہ العہد لم لا یحل

وہر کلامیہ صلی اللہ علیہ وآلہ العہد لم لا یحل

وہر کلامیہ صلی اللہ علیہ وآلہ العہد لم لا یحل

وہر کلامیہ صلی اللہ علیہ وآلہ العہد لم لا یحل

وہر کلامیہ صلی اللہ علیہ وآلہ العہد لم لا یحل



پیشین ہونے دون بار صدق سوال

پیشین ہونے دون بار صدق سوال

پیشین ہونے دون بار صدق سوال

پیشین ہونے دون بار صدق سوال

پیشین ہونے دون بار صدق سوال



۳۵۷

در حیات

کتابخانه آستان قدس  
در خط

کتابخانه آستان قدس  
در خط

کتابخانه آستان قدس  
در خط

در کتابخانه آستان قدس



کتابخانه آستان قدس

کتابخانه آستان قدس  
در خط



کتابخانه آستان قدس

کتابخانه آستان قدس  
در خط

کتابخانه آستان قدس  
در خط



کتابخانه آستان قدس  
در خط

کتابخانه آستان قدس  
در خط

کتابخانه آستان قدس  
در خط



کتابخانه آستان قدس  
در خط









مؤسسہ چاپ و اشعارات آسان قدس رضوی





مؤسسہ چاپ و اشاعت آسان قدس رضوی